دانشمندان معاصر عرب: ناصیف الیازجی

حریرچی، فیروز

شیخ ناصیف بن عبد اللّه بن ناصیف بن جنبلاط مشهور بیازجی بتأیید همهء مورخان و فضلای معاصر در قریهء کفرشیمای بیروت بیست و پنجم مارس(آذار)سال 1800 م(1214 هـ) همچنانکه عیسی میخائیل ساباو دکتر شوقی ضیف گفته‏اند طبیبی کاتولیک مذهب بود و از میان‏ شیوه‏های گوناگون اطبای قدیم روش ابو علی سینا را برگزیده بود.وی تربیت فرزندش را بکشیشی که متی نام داشت واگذار نمود و یازجی نزد این راهب خواندن و نوشتن را فرا گرفت‏ آنگاه بعلت علاقهء مفرطی که بعلم و ادب داشت در کتابخانه‏های کلیساها معتکف شد و اغلب‏ اوقات خویش را صرف مطالعهء کتب صرف و نحو و دواوین شعراء نمود تا اینکه در صرف و نحو و معانی و بیان و عروض و قافیه و منطق و طب و موسیقی متبحر گشت و در همهء این فنون اطلاعات‏ جامع و دقیقی بدست آورد.و بر اثر همین اهلیت کاریازجی از شانزده سالگی بالا گرفت و پس‏ از آنکه چندی در دیر«قرقفة»بنا بدعوت کشیش اعظم بکتابت مشغول گردید منظور نظر امیر مشهور بشیر بن قاسم بن عمر الشهابی(متولد 1760 م 1173 هـ-متوفی 1850 م. 1266 هـ.)واقع شد.یازجی 12 سال باشغل کتابت نزد این امیر میزیست و او را تا سال‏ 1840 م.که در آن بلاد شام را ترک گفت مدح کرد و اشعاری را که یازجی در تمام این مدت‏ در مدح امیر سروده بود از چند قصیده تجاوز نمیکرد با این همه امیر متعرض وی نشد و او را معزز و محترم داشت و مطلع نخستین قصیده‏ای که یازجی آنرا پس از وقوع حادثه 1240 (1824 م.)در مدح امیر بنظم درآورده و یکی از بهترین قصاید اوست که در آن باقتفای‏ متنبی رفته عبارتست از:

یهنیک هذا النصر و الظفر فانعم اذانت بل فلتنعم البشر

پس از آنکه امیر بشیر در سال 1840 م.لبنان را ترک گفت و نخستین نزاع میان‏ دروزو نصاری در گرفت یازجی ببیروت مهاجرت کرد و در مدارس امریکائیها بتعلیم پرداخت‏ و در چاپخانه‏های آنها بتصحیح کتب مشغول گردید.در آنجا نیز دمی از مطالعه فارغ نشد و پای از دامن فضلا و دانشمندان بیرون ننهاد،پیوسته اوقات فراغت خویش را در مباحثه یا علما و افاضل میگذرانید و خانه‏اش را محفل صاحبدلان و مجمع فضلای زمان قرار داده بود

یازجی از اعضای مؤثری بود که دکتر عالی‏سمیث را در سال 1847 م در ایجاد عضویت جمعیت مذکور را پذیرفت و در میان اعضای آن مقام شامخی را بدست آورد چنانکه‏ دکتر عالی سمیث در 24 دسامبر 1849 م.ضمن گزارش فعالیت«الجمعیة السوریة»بجمعیت‏ آسیایی از مقام یازجی تجلیل نمود و در آن از مقامات وی از جملهء مقامهء عقیقیه سخن گفت و چاپ آنرا برای مستشرقین پیشنهاد کرد.

یازجی در سال 1863 م بمعلمی مدرسهء وطنیه که آنرا بطوس البستانی بنا نهاده بود برگزیده شد و تدریس عربی دورهء عالی آن مدرسه را پذیرفت و ارجوزهء مشهور خود«نار القری» را بشاگردان آن مدرسه تدریس نمود.در همان وقت بطرس البستانی را نیز از گنجینهء معلومات‏ خویش بهره‏مند ساخت و او را در تصحیح معجمش محیط المحیط مساعدت نمود.یازجی مدتی هم‏ در مدرسهء انگلیسی سوری یعنی دانشگاه امریکایی امروز بتدریس زبان و ادبیات عرب پرداخت و شاگردان فاضل و دانشمندی تربیت کرد که از میان آنها دکتر یعقوب صروف و فارس نمر را میتوان نام برد.

یازجی در تمام حیات خود لحظه‏ای از مطالعه و تدریس فارغ نگردید و سراسر زندگیش‏ را صرف تدریس و تألیف نمود و تا آخرین دقایق عمرش بعلم و ادب خدمت کرد تا اینکه شمع‏ وجودش بسال 1871 م.(1287 هـ)خاموش گردید.

آثار یازجی

ناصیف الیازجی آثار گرانبها و بی‏شماری از خود بیادگار گذارده است که بحث‏ دربارهء هریک از آنها بکتابی مستقل نیازمند است و چون مرا در این مقاله قصد تجزیه و تحلیل‏ آنها نمیباشد لذا بذکر اسامی آنها اکتفا مینمایم:

1-اشعار یازجی که بنامهای ذیل بچاپ رسیده است:

الف-«نبذة من دیوان الشیخ ناصیف الیازجی»دوبار بچاپ رسیده،نخست در بیروت بسال 1853 م.در 128 صفحه.چاپ دوم در مطبعهء شرقیه تحت عنوان«النبذة الاولی»که آنرا فرزندش ابراهیم الیازجی تصحیح نموده و نوه‏اش امین الحداد شرح احوالش‏ را در اول دیوان اضافه کرده است.

ب-«نفحة الریحان»نخست در بیروت در 138 صفحه بسال 1864 م بچاپ‏ رسیده سپس در سال 1898 م.بتصحیح فرزندش الشیخ ابراهیم الیازجی در چاپخانهء ادبیه چاپ شده.

ج-«ثالث القمرین»نخست در بیروت بسال 1883 سپس بتصحیح فرزندش‏ ابراهیم الیازجی بسال 1903 م.در مطبعهء ادبیه بچاپ رسیده است.

د-«نبذة تواریخ مقنطفة من دیوان الشیخ ناصیف الیازجی»در بیروت بسال 1859 در 16 صفحه بچاپ رسیده است.

ح-«فاکهة الندماء فی مراسلة الادباء،مجموعهء قصائدیست که یازجی آنها را در جواب شعرا و ادبای زمان خویش سروده است و آن نخست در بیروت سال 1870 م.سپس در 1930 م.در چاپخانهء دار صادر بچاپ رسیده است.

2-در صرف و نحو.

الف-«لمحة الطرف فی اصول الصرف»ارجوزه‏ایست که یازجی آنرا بسال 1854 م‏ تألیف کرده و خود بر آن شرح نوشته است و آن در بیروت بسال 1870 م.بچاپ‏ رسیده است.

ب-«الجمانة فی شرح الخزانة»ارجوزهء طویلی است در علم صرف که یازجی بر آن‏ شرح نوشته و آنرا«الجمانة»نامیده است و این کتاب چندین بار بچاپ رسیده و مختصر آن بقلم‏ فرزند مؤلف ابراهیم الیازجی در بیروت چاپ گردیده.

د-«طوق الحمامة»کتاب مختصری است که در سال 1865 م.بچاپ رسیده.

ر-«اللباب فی اصول الاعراب»ارجوزه‏ایست در مبادی نحو که بسال 1889 م. بچاپ رسیده.

ز-«نار القری فی شرح جوف الفرا»ارجوزهء مفصلی است در مباحث نحوی که‏ یازجی بر آن شرحی نوشته و آنرا«نارا القری»نامیده است و فرزندش شیخ ابراهیم الیازجی‏ آنرا مختصر کرده و شاهین عطیة در کتاب خویش بنام«الدرر فی عقود الجوهر»شواهد آنرا توضیح داده است.

س-«الجوهر الفرد»کتاب مختصری است در مباحث صرف و نحوی که شیخ ابراهیم‏ الیازجی آنرا شرح کرده و کتاب خود را بنام«مطالع السعد فی شرح الجوهر الفرد»بسال‏ 1888 م.در بیروت بچاپ رسانیده است.

ش-«فصل الخطاب فی اصول لغة الاعراب»کتابی است در دو بخش در مباحث صرف‏ و نحو که جندین‏بار بچاپ رسیده است.

یازجی علاوه بر کتب مذکور در صرف و نحو کتاب«بحث المطالب»تألیف‏ جزمانوس فرحات را نیز تنقیح کرده و در هر مسأله از مسائل مشروحه در آن،وجوه صحیح‏ را انتخاب نموده است.

3-در بیان و بلاغت و عروض:

الف-«عقد الجمان»خلاصه‏ایست در علم معانی و بیان یازجی مبحثی را بر آن بنام‏ «نقطة الدائرة»اضافه کرده و آنرا سال 1848 م،بپایان رسانیده است و آن یکبار بنام‏ «عقد الجمان»و بار دیگر بنام«مجموع الادب فی فنون العرب»بسال 1908 بچاپ رسیده و پس از این دو بار،چندین دفعه نیز چاپ شده است.

ب-«اللامعة فی شرح الجامعة»ارجوزه‏ایست در دو علم عروض و قافیه در 127 صفحه.یازجی آنرا در 1853 بپایان رسانیده و فرزندش الشیخ حبیب بر آن شرحی نوشته و آنرا«اللامعة»نامیده است.این کتاب نیز در بیروت بسال 1869 م.بچاپ رسیده.

ج-«الطراز المعلم»ارجوزهء مختصریست در علم بیان که یازجی آنرا بسال 1861 م‏ بپایان رسانیده و آن در مطبعهء مخلصیه بسال 1868 م.بچاپ رسیده است.

4-در منطق:

الف-«قطب الصناعة فی اصول المنطق»رساله‏ایست در مبادی مهم منطق مانند انواع‏ قضایا و اشکال مختلفهء قیاس و غیره و آن چندبار بطبع رسیده.

ب-«التذکرة فی اصول المنطق»ارجوزهء مختصریست در علم منطق که برسالهء «قطب الصناعة»ملحق گردیده و در 50 صفحه تألیف شده است.

5-در طب:

«الحجر الکریم فی الطب القدیم»ارجوزه‏ایست در 84 بیت در بحر رجز که در مجلهء«الطبیب»شمارهء 14 سال 1902 بچاپ رسیده است.

از برجسته‏ترین آثار یازجی مقامات وی بنام مجمع البحرین و شرح دیوان متنبی‏ بنام«العرف الطیب فی شرح دیوان ابی الطیب»میباشد که آنرا فرزندش تنقیح و تکمیل‏ کرده است.

مقام ادبی و علمی یازجی

از آثار شیخ ناصیف الیازجی چنین برمیآید که وی در تمام فنون ادبی تبحر تمام‏ داشته و در تمام آنها وحید زمان خویش بوده است و کتبی را که تألیف نموده گواه صادقی است‏ که وی مصنفات متقدمات را اعم‏از مطول و موجز با دقت مخصوص خود خوانده و آنها را با اسلوب نوینی در تصانیف گوناگون خویش بشیوه‏های متفاوتی توضیح داده است.اکنون برای‏ آنکه خواننده از شخصیت ادبی وی بخوبی واقف شود نخست چند سطری در مقام شاعری او می‏نگارم:

بطور خلاصه میتوان گفت که یازجی در غزل و تشبیب و مدح و رثا و شعر دینی و حکمی و تاریخی طبع‏آزمایی کرده و در همهء این اقسام تا حدی موفق گردیده است.اما نکتهء در خور تذکر آنستکه وی در اکثر اشعار خود از متنبی متأثر شده و بسیاری از معانی و تراکیب خویش‏ را از اشعار این شاعر اقتباس کرده است چنانکه خود گفته:«کأنی قاعد فی قلب المتنبی»و منظورش از گفتهء مذکور آن است که او بدقایق اشعار متنبی آگاهی کامل دارد و از محسنات‏ آنها پیروی و از معایب آنها دوری مینماید.ولی باید گفت که یازجی همچنانکه احمد حسن الزیات گفته است در تقلید بپایهء متنبی نمیرسد لکن تأثر وی از متنبی کاملا محسوس است.

یازجی در تأثر خویش بمتنبی اکتفا نکرده بلکه در بسیاری از موارد نیز از معانی و الفاظ شاعرانی مانند ابوتمام و بحتری و ابن معتز خوشه‏چینی نموده است.همچنین در سرودن‏ قصاید بدیعیه از صفی الدین الحلی متأثر گشته و خواسته است مهارت و برتری خویش را در استعمال محسنات بدیعی بر صفی الدین الحلی بثبوت رساند.وی علاوه بر کثرت استعمال صنایع بدیعی بر بسیاری از توجیهات صرفی و نحوی و بیانی و عروضی نیز متوسل شده و دو قصیدهء ذیل‏ شاهد این مدعاست:

و قطبت عند زجر الصب حاجبها لأنها تعهد التأکید بالنون

\*\*\*

مازلت مستندا الیک محدثا فکأننی خبر و أنت المبتدا

بهرحال اگرچه یازجی در اغلب اشعار خود چندان مبدع بنظر نمیرسد ولی سلاست‏ الفاظ و سهولت معانی تا حدی شیوهء وی را ممتاز میسازد و صدق احساس و دقت عاطفه‏ای که در غزلیاتش محسوس میگردد موجب آنستکه اشعارش در دلها تأثیری عمیق گذارد و خاطره‏های‏ شیرین جوانی را در خواننده زنده سازد مانند ابیات ذیل:

من غنج عینیک أم من لطف معناک‏ أیدی الهوی أو قعت قلبی بأشراک‏ روحی فداک لقد أضن هواک فتی‏ ما کان یدری الهوی و اللّه لو لاک‏ ورد بخد یک‏ام هذا خضاب دمی‏ فقد أراقت دمی بالسحر عیناک

ترجمه:آیا از ناز دیدگانت یا از لطافت نگاه توست که دست عشق دل مرا بدام‏ افکنده است؟جانم فدای تو باد،عشق تو جوانی را بیمار و ناتوان کرده است که اگر تو نمیبودی سوگند بپروردگار بوجودش عشق پی نمیبرد.در دو گونه‏ات گل سرخ است یا که این‏ خضاب خون من است زیرا که چشمانت با جادو خونم را بریخته است.

یازجی علاوه بر اشعاریکه در مدح بزرگان و فضلای معاصر خویش بنظم درآورده‏ در سرودن ماده تاریخ نیز مهارت تمام داشته و منظوماتی که در آخر ثالث القمرین بچاپ‏ رسیده مؤید گفته ماست.

اما أثری که بر حذاقت یا زجی در ادب عربی و احاطهء شگفت‏انگیز وی در لغت و تاریخ و ضروب الامثال دلالت میکند و او را با نوابغی چون بدیع الزمان الهمدانی و ابو محمد القاسم بن علی الحریری برابر مینماید مقامات وی مجمع البحرین است.یازجی در این‏ کتاب بی‏تردید از دو استاد متقدم خویش یعنی بدیع الزمان و حریری متأثر گردیده است‏ مثلا همانگونه که نزد بدیع الزمان عیسی بن هشام و ابو الفتح اسکندری و نزد حریری حارث‏ بن همام و ابو زید سروجی بترتیب راوی و قهرمان داستان می‏باشند یازجی نیز سهیل بن عباد و میمون بن خزام را راوی و قهرمان خود قرار داده و مانند حریری آندو را در مقامهء اول‏ بیکدیگر معرف کرده است:

أنی میمون بن بنی الخزام‏ و هذه لیلی ابنتی امامی‏ نعم و هذا رجب غلامی‏ من رام أن یدخل فی ذمامی

یأمن من بواثق الایام

یازجی نه تنها در راوی و قهرمان خویش از بدیع الزمان و حریری متأثر است بلکه‏ از لحاظ اسلوب و استعمال صنایع بدیعی و مبالغه در بکار بردن لغزهای شعری و نثری و توجیهات صرفی و نحوی نیز از آندو تقلید کرده حتی در برخی موارد مانند ظرایف نحوی و صرفی بر حریری هم غلبه کرده و دلیل امر آنستکه وی در صرف و نحو استادی کامل العیار بوده‏ و در آندو اراجیز متعددی تألیف کرده است.بهرحال با خواندن شصت مقامهء یازجی معلوم‏ میشود که وی در تمام ابوابی که حریری وارد شده درآمده و با کمال فطانت و حصافت مقصد خویش را بپایان برده است مثلا حریری در مقامات خود از قرآن اقتباس کرده،همچنین‏ مقامات یازجی نیز خالی از تراکیب و معانی قرآنی نمیباشد و مقامهء معریهء وی بهترین دلیل‏ این مدعاست.

همچننکه گفتیم یازجی در بکار بردن صنایع بدیعی و بازی با الفاظ در پاره‏ای از موارد بحد اعجاز میرسد و نمونهء بارز آن مقامهء رملیه است وی در این مقامه علاوه بر استعمال‏ سجعهای متوالی بیست و شش بیت که همهء کلمات آن بی‏نقطه است تحت عنوان ابیات عواطل‏ برشتهء نظم کشیده است مانند این بیت:

لا أم للّه و لا والد لا و لا ولد

در همین مقامه یازجی 9 بیت که همهء کلمات آن معجمه(یا نقطه)است به نظم درآورده‏ سپس هفت بیت بنام ابیات ملمعه یعنی ابیاتی که کلمات مصرع اول هر بیت بی‏نقطه و مصرع‏ دوم همه با نقطه می‏باشد سروده است مانند این بیت:

لا لعهود الودراع و لا فی شجن ذی فتنة یشفق

یازجی پس از بیان این ابیات دو نوع دیگر را که خبفاء و رقطاء نامیده میشوند بنظم درآورده نوع اول آنستکه در شعر کلماتی را که یک در میان با نقطه و بی نقطه می‏باشند بکار برند مانند بیت ذیل:

«لا تفی العهد فتشفینی و لا تنجز الوعد فتشفی العللا»

قسم دوم یعنی رقطاء آنستکه در شعر کلماتی آورند که حروف آنها یک در میان‏ بی‏نقطه باشد و یازجی هفت بیت در این قسم سروده است مانند این بیت:

قاتلی وجه بدیع‏ زاجری عنه قلیل

یازجی در بازی با الفاظ و استعمال صنایع بدیعی در مقامهء رملیه از این حد نیز گام فراتر نهاده و چهار بیت را بنحوی سروده است که حروف کلمات آنها هم در اسم و هم در مسمی بی‏نقطه است مانند دال که هم در نوشته«د»و هم نامش که دال باشد بی‏نقطه است و چنانکه میدانیم عین اگرچه بی‏نقطه است ولی خود کلمهء عین منقوطه میباشد و نمونهء آنچه‏ که گفتیم این بیت است:

حول در حل ورد هل له للحر ورد

یازجی در مقامهء بصریه نیز 14 بیت را طوری بنظم درآورده که اگر هر بیت را معکوس نمائیم دوباره همان بیت خواهد شد مانند:

قمر یفرط عمدا مشرق‏ رش ماء دمع طرف یرمق

همچنین یازجی در این مقامه نخست دو بیت را در مدح سروده سپس با معکوس‏ کردن هردو بیت،معنی مدح را بهجا مبدل کرده است مانند: مدح:با هی المراحم لا بس‏ کرما قدیر مسند هجو:دنس مرید قامر کسب المحارم لا یهاب

یازجی همچنانکه گفته شد در طب قدیم نیز اطلاع وسیعی داشته و علاوه بر رساله‏ایکه‏ در این باب نوشته است بکار بردن مصطلحات طبی و توصیهء دستورها و ادویهء پزشکی در مقامهء طبیه بیان‏کنندهء مقدار معلومات وی در این فن است.نکته دیگری که در خور تذکر است آنستکه یازجی بضروب الامثال عربی و تاریخ و آداب و رسوم عرب معرفت کامل داشته و استعمال امثال ذیل که بعنوان نمونه ذکر میشود مؤید گفته ماست(تفرق من صوت الغراب‏ و تفرس الاسد المشبم)در مقامهء طبیه و(اذل من بیضة البلد)در مقامهء حجاریه و(لوانصف‏ الناس استراح القاضی)در مقامهء حجازیة و(کان علی رؤسهم الطیر)در مقامهء عقیقیه.

همچنین بکار بردن جملاتی از قبیل:اطلامتکم علی عجری و بجری،بکرت بکور الزاجر)دلیل ر آنستکه وی بکوچکترین نکته از نکات زبان عربی احاطه داشته و بمعنی‏ حقیقی کلمه ادیب بوده است.

پس از بحث در مقامات وی لازم است گفته شود که وی در تمام فنون ادبی خدمات‏ شایسته‏ای نمود بخصوص در صرف و نحو راه پرپیچ‏وخم گذشتگان را همواد کرد و دانش‏پژوهان‏ را از مطالعهء کتبی که بعبارت مغلق نوشته شده و چندان فایدتی بر آنها مترتب نبود بی‏نیاز ساخت و کتاب مشهور او نار القری فی شرح جوف الفرا مؤید گفته ماست وی در این کتاب‏ صرف و نحو را مانند این مالک بشعر درآورده سپس آنرا بشیوهء ابن عقیل شرح کرده است‏ جز آنکه در اسلوب نثری خود سهولت را برگزیده و علاوه بر آن اقوال گذشتگان را یکجا گردآورده و آنها را با بیان ساده‏ای توضیح داده است بهمین جهت یوسف الاسیر که بریازجی‏ خرده گرفته و در صدد برآمده با سرودن ارجوزه‏اش برتری خویش را بر وی ثابت کند بخطا رفته و از راه انصاف بدور افتاده است.

فهرست مراجع

1-بدیع الزمان الهمدانی.تألیف مارون عبود چاپ مصر 1963

2-تاریخ الادب العربی تألیف احمد حسن الزیات.مصر چاپ 23.

3-تاریخ آداب اللغة العربیة.جلد 4.تألیف جرحی زیدان.تعلیق دکتر شوقی ضیف.

4-الشیخ ناصیف الیازجی،تألیف عیسی میخائیل سابا.چاپ مصر.1954.

5-ثالث القمرین.ناصیف الیازحی.چاپ بیروت.سال 1883 م.

6-الاعلام تألیف خیر الدین الزرکلی.جلد 2 و 8.

7-مجمع البحرین.تألیف ناصیف الیازجی.چاپ الآباء الیسوعیین 1880 م.

8-المقامة تألیف دکتر شوقی ضیف.چاپ مصر.سال 1954.

9-مقامات حریری.چاپ مصر.